

The linguistic identity in the Saba Shahanshahnameh is an example of the re-reading of ancient concepts of nationality and patriotism

Moslem Ahmadi*

Yahya hoseinaei**

Abstract

Common language is one of the most important determinants of the identity and nationality of human groups. It plays a major role in communicating among the various inhabitants of the same land.

Persian language and literature, because of its valuable features, has been a central focus of Iranian civilization and culture and has been a unifying factor. The Qajar period was the starting point for Iran to deal with the outside world.

As a result of this encounter, aspects of the distinction between the "self" and the "other" were highlighted. In other words, the notion of 'identity', without necessarily speaking about it, appeared in some written works of the early Qajar period. The two bloody wars and the historicization of Iran and Russia marked the beginning of the introduction of new nationalist and patriotic ideas into Persian poetry.

During the Iran-Russia wars, "Habbooten" increasingly became the work of poets and writers of the period, and the geographical territory of the country was read as home to those with an Iranian identity.

* The Assistant Professor of imam ali (Corresponding Author), zmahmady@yahoo.com

** The Assistant Professor of imam ali, hosseinayahya@yahoo.com

Date received: 2022/01/13, Date of acceptance: 2022/03/21



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Fath Ali Khan Saba is one of the most famous and, in a word, the greatest poet of the Iran-Russian wars. By revisiting ancient notions of nationality and patriotism, he has recreated the linguistic identity of Shahanshahnameh in a new way.

Keywords: linguistic identity, Shahanshahnameh, Qajar, Saba, nationality.



هویت زبانی در شهنشاه‌نامه صبا نمونه‌ای از بازخوانی مفاهیم کهن ملیت و وطن‌گرایی

مسلم احمدی*

یحیی حسینی**

چکیده

زبان مشترک یکی از عوامل مهم تعریف‌کننده هویت و ملیت گروه‌های انسانی به‌شمار می‌آید. این زبان در واقع نقش عمده‌ای در برقراری ارتباط میان ساکنان گوناگون یک سرزمین بازی می‌کند. زبان و ادبیات فارسی، به دلیل ویژگی‌های ارزشمندی که دارد، به عنوان محور اصلی تمدن و فرهنگ ایرانی و عاملی وحدت‌آفرین مطرح بوده است. دوره قاجار نقطه آغاز برخورد ایران با دنیای خارج بود. در اثر این برخورد، وجوه تمایز و تفارق «خود» از «دیگری» برجسته شد. به عبارتی توجه به مفهوم «هویت» بی‌آنکه الزاماً درباره آن سخنی به میان آید، در برخی آثار مکتوب دوره نخست قاجار ظاهر شد. فتحعلی‌خان صبا یکی از معروف‌ترین و به بیانی بزرگ‌ترین شاعر دوره جنگ‌های ایران و روس است. وی با بازخوانی مفاهیم کهن ملیت و وطن‌گرایی، هویت زبانی در شهنشاه‌نامه را به شیوه جدیدی بازآفرینی کرده است. در این جستار، هویت زبانی در شهنشاه‌نامه صبا با شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و سندکاوی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که صبا توانسته است با خلق مفاهیمی هم‌چون نوگرایی و بازآفرینی زبانی، آوردن کلمات جدید فرنگی و لغات تازه و نمایش نقش بنیادین

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه افسری امام علی (ع) (نویسنده مسئول)،

zmahmady@yahoo.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه افسری امام علی (ع)، hosseinaiyahya@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱



زبان فارسی در پاسداشت هویت ملی، به اهمیت زبان فارسی، در حفظ و تحکیم ملیت و وطن‌گرایی در جامعه بپردازد.

کلیدواژه‌ها: هویت زبانی، ملیت، صبا، شهنشاه‌نامه، قاجار.

۱. مقدمه

هویت، پاسخی به چیستی و کیستی هر فرد است که متمایزکننده هر شخص از دیگری است. هویت انواع گوناگونی دارد و عموماً شامل هویت دینی، تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی، ادبی، اساطیری و ... می‌باشد. در این میان هویت ملی، بالاترین و مهم‌ترین نوع هویت است و به مجموعه ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، زبانی، قومی و ... گفته می‌شود که زندگی انسانی را در بر می‌گیرد و اعضای جامعه به آن می‌بالند و به آن افتخار می‌کنند. (روح الامینی، ۱۳۸۳: ۲۱) شناخت عناصر هویت‌ساز و هویت‌بخش در آثار ادبی ما که خود بخشی از فرهنگ یک ملت به حساب می‌آیند، می‌تواند عاملی برای شناخت میراث سرزمین، تاریخ آن و جلوگیری از تقلید از بیگانگان شود. ضمن آنکه باید گفت، جوامع مختلف همواره بر هم تأثیرگذاری و تأثیرپذیری دارند که می‌تواند عامل پیشرفت گردد اما خودباختگی فرهنگی، عنصری است که همواره در طول تاریخ، ملت‌ها را به قهقرای فرهنگی کشانیده است.

از نخستین آثاری که به نوعی مفهوم هویت در آن مطرح می‌گردد شاهنامه است. بخش نخست شاهنامه «اصل و اساس هویت ایرانی» را در اساطیر، یعنی در ژرفای آگاهی جمعی اقوام ایرانی نشان می‌دهد. اهورامزدا نخستین انسان و نخستین پادشاه جامعه انسانی را در ایران زمین می‌آفریند که در میانه جهان جای دارد؛ آنگاه پر و بال و شاخ‌وبرگ انسان را از میانه جهان بر شرق و غرب می‌گستراند ... و جهان به سه کشور بخش می‌شود... از این زمان هویت ایرانی با پادشاهی ایرج در برابر هویت قومی شرق و غرب بنیاد نهاده می‌شود. (اشرف، ۱۳۷۳: ۸) پس از فردوسی حماسه‌های تقلیدی فراوانی بوجود آمد که هر کدام در دوره وجودی خود، کارکردی اجتماعی یا حتی سیاسی را دارا بوده‌اند. شهنشاه‌نامه صبا اثری است که از نظر پختگی کلام، شیوه‌های توصیف، زیبایی‌های ادبی و لطایف بدیعی، چندان قابل قیاس با شاهنامه نیست، اما می‌تواند در دوره قاجار (موسوم به بازگشت ادبی)، در ردیف آثار مهم در تبیین هویت ملی قرار گیرد. بنابراین می‌توان با

بررسی و پژوهش در آن، انعکاس الگوهای ملیت و وطن‌گرایی را در قالب هویت زبانی، بازشناسی و بازتولید کرد.

پرسش‌های اصلی در این مقاله عبارتند از اینکه:

۱. هویت زبانی چیست و تجلی آن در شهنامه صبا چگونه است؟
۲. گفتمان تجدد در قالب مفاهیم ملیت و وطن‌گرایی در دوره قاجار و منظومه شهنامه چگونه بازتولید شده‌اند؟

۱.۱ پیشینه تحقیق

در زمینه هویت زبانی پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. از مهم‌ترین کتاب‌های منتشر شده می‌توان به کتاب «هویت ملی و زبان فارسی» از داوری اردکانی اشاره کرد که البته به حوزه‌های تخصصی هویت، ورودی نداشته است. همچنین آبادیان (۱۳۸۸) در مقاله «مؤلفه‌های هویت ملی در برخی آثار مکتوب نیمه نخست دوره قاجار»، اشاره‌ای مختصر به جغرافیای ایران و هویت ملی کرده که مولفه هویت زبانی در حیطه تحقیقات وی قرار ندارد. نیز طاهری خسروشاهی کتابی تحت عنوان «فصل‌های تاریکی جنگ‌های روس با ایران در شعر فارسی» داشته که البته وارد مقوله هویت نشده است. هدایت‌اله بهبودی نیز در رساله‌ای کم‌حجم تحت عنوان «ادبیات در جنگ‌های ایران و روس»، به صورت جدی، مسئله بازتاب جنگ‌های ایران و روس در شعر فارسی را بررسی نموده است. در کتاب «هویت ایرانی و زبان فارسی» از شاهرخ مسکوب به طور عموم به کلیه دوره‌های شعر فارسی پرداخته و اشاره‌ای گذرا به دوره قاجار داشته است. عیلائی (۱۳۹۱) نیز در مقاله «از هویت زبانی تا پایداری فرهنگی»، نکات ارزنده‌ای را در خصوص ادبیات پایداری در حوزه هویت مطرح نموده است. گودرزی در کتاب «هویت ملی در ایران» با تاکید بر دوره صفویه، زبان فارسی را رکن هویت ملی در این دوره می‌داند. با این وصف، اثری یافت نشد که به طور مستقل، به بررسی هویت زبانی در دوره قاجار و بویژه کتاب شهنامه بپردازد.

۲.۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

زبان آینه فرهنگ هر قوم و ملتی است. در طول تاریخ افتخارآمیز ایران، زبان فارسی همواره هویت و همبستگی مردم را حفظ کرده و گوناگونی و فزونی اقوام ایرانی که از دوران حکومت‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی تا امروز وجود دارد، از راه این زبان به یگانگی انجامیده است. (فلاح، ۱۳۸۶: ۱۳۳) زبان فارسی، به دلیل ویژگی‌های ارزشمندی که دارد، به‌عنوان محور اصلی تمدن و فرهنگ ایرانی مطرح و عاملی وحدت‌آفرین بوده است. ازسوی دیگر، جنبش‌های اصلاحی که آغاز آن از دوره قاجار بود از ابزار گسترش اندیشه‌های جدید ملیت و وطن‌گرایی محسوب می‌شد. در این میان حفظ هویت زبانی و بازخوانی مفاهیم کهن آن، به‌عنوان ابزاری در جهت حفظ هویت ملی و تحکیم وطن‌گرایی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲. بحث

۱.۲ مختصری از زندگی‌نامه صبا

فتحعلی‌خان صبا یکی از معروف‌ترین و به‌بیانی بزرگ‌ترین شاعر دوره جنگ‌های ایران و روس است. حمیدی‌شیرازی معتقد است «ظه‌ور او مکتب دوره صفوی را به هم زد و هرج‌ومرج و آشوب را که در کشور سخن حکم‌روایی داشته، ریشه‌کن ساخته است.» (حمیدی‌شیرازی، ۱۳۶۴: ۱۹) برخی از پژوهشگران روایت‌های صبا در باب جنگ‌های ایران و روس را معتبر می‌دانند چرا که وی به چشم خویش شاهد آن حوادث بوده است. شاید همین امر، دست‌کم در نقل پاره‌ای از اتفاقات در مثنوی خود، شهنشاه‌نامه، در واقع‌گرایی او بی‌تاثیر نبوده است. (لنگرودی، ۱۳۷۵: ۱۲۶) شهنشاه‌نامه، مفصل‌ترین مثنوی صبا در باب فتوحات شاه و جنگ‌های روس با ایران است و تعداد ابیات آن را از پنج‌هزار تا چهل‌هزار بیت گفته‌اند. (طاهری‌خسروشاهی، ۱۳۸۸: ۱۵۴) رضازاده‌شفق و یحیی‌آرین‌پور این اثر را «مهم‌ترین مثنوی فتحعلی‌خان صبا» و زین‌العابدین مؤتمن آن را «معروف‌ترین مثنوی تاریخ قاجار» می‌دانند.

صبا تکرار دوباره تاریخ دوران فردوسی بزرگ و تعرض به هویت ملی ایرانیان را شاهد بوده و با الهام و تاثیر از او اقدام به سرایش این اثر نموده است. وی روسها را ادامه

ایران (تورانیان) می‌داند. شاعر در شرایط زیستی خود و فردوسی شباهت‌هایی را لمس نموده و با سرودن یک اثر حماسی، سعی در بازسازی هویت ملی ایرانیان، داشته است.

۲.۲ مهم‌ترین عامل هویت‌ساز در دوره قاجار

دوره قاجار نقطه آغاز برخورد ایران با دنیای خارج بود. در اثر این برخورد، وجوه تمایز و تفارق «خود» از «دیگری» برجسته شد. به عبارتی توجه به مفهوم «هویت» بی‌آنکه الزاماً درباره آن سخنی به میان آید، در برخی آثار مکتوب دوره نخست قاجار ظاهر شد. در دوره قاجار، در کنار دیوانیان و وقایع‌نگاران دربار، روحانیان و سفرنامه‌نویسانی که هند، روسیه و اروپا را از نزدیک دیدند، شاعرانی نیز بودند که به مقوله هویت ملی با اتکا به نوعی نگاه تاریخی توجهی ویژه داشتند. بنابراین نوشته‌های مورخان، دیوان‌های شاعران، نامه‌های دیوان‌سالاران، سفرنامه‌ها و متونی مانند احکام و فتوایی^۱ که در زمان جنگ با روس صادر می‌شد، از منابع بررسی اندیشه نویسندگان و شاعران آن عصر دانسته می‌شوند. این منابع برای فهم مقوله هویت ملی در آن دوره تاریخی، بسیار اهمیت دارد.

بدون تردید جنگ‌های ایران و روس، برجسته‌ترین حادثه دوران‌ساز این دوره تاریخی است. در واقع حمله روس به ایران، در آغاز قرن نوزدهم، در جوشش، خیزش و تناوری معنوی (انتزاعی) ملت ایران، در نتیجه تحریک و انگیزش احساس و همبستگی ملی ایرانیان، نقش سازنده‌ای ایفا کرد. (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۵۰)

۳.۲ رابطه زبان و ملیت

زبان مشترک یکی از عوامل مهم تعریف‌کننده هویت و ملیت گروه‌های انسانی به‌شمار می‌آید. این زبان در واقع نقش عمده‌ای را در برقراری ارتباط میان ساکنان گوناگون یک سرزمین بازی می‌کند.

زبان فارسی، جان‌پناهی برای حفظ هویت ملی ایرانیان در طول تاریخ بوده است. باید دانست که وحدت فرهنگی و سیاسی کشورها، با وجود اختلاف در نوع حکومت، ریشه در زبان مشترک دارد. (مسکوب، ۱۳۷۹: ۱۰)

۴.۲ شعر دوره قاجار خالق مفاهیم جدید ملیت و وطن‌گرایی

در بررسی شعر دوران قاجار، معمولاً آن را یا به «دوره قبل از مشروطیت و دوره مشروطیت» تقسیم‌بندی می‌کنند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۸) و یا «قبل و بعد از مشروطیت» (حمیدی، ۱۳۶۴: ۱۵) اما به‌طور کلی شعر سنتی قاجار، همان شعر قبل از مشروطیت بوده که به دوره «بازگشت ادبی» موسوم است. در واقع نطفه شعر بازگشت به دوران بی‌توجهی نادرشاه به شعر و بی‌اعتنایی کریم‌خان زند به شاعران بود.^۲ (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۰۵) در این دوره شعرا و نویسندگان بزرگی ظهور کردند که با اجتناب از سبک و اسلوب نویسندگان دوره‌ی صفوی که ویژگی آن بخصوص پیچیده‌نویسی و استفاده‌ی زیاد و بی‌رویه از لغات و ترکیبات و اصطلاحات عربی بود، روش جدیدی را با بازگشت به روش نویسندگان قدیم، چون بیهقی و ... بنیان نهادند؛ که ادامه‌ی آن به ادبیات مردمی دوره‌ی مشروطه منتهی شد. «این شاعران در حقیقت کاریکاتور شعرای قرن پنجم و ششم هجری‌اند.» (شفیعی، ۱۳۸۰: ۱۸)

دو جنگ خونین و تاریخ‌ساز ایران و روسیه، سرآغازی برای ورود اندیشه‌های جدید ملیتی و وطن‌گرایی در شعر فارسی این دوره گردید.

هنگام جنگ‌های ایران و روس «حب‌وطن» بیش از پیش به آثار شاعران و نویسندگان این دوره راه یافت و قلمرو جغرافیایی کشور، موطن کسانی خوانده شد که هویت ایرانی دارند. این مضمون در آثار دوره‌های بعد، بیش از پیش برجسته شد و برای ازدست‌رفتن بخشی از این موطن، اشعار حسرت بار سروده شد. (آبادیان، ۱۳۸۸: ۱۱۹)

شاعران در این مقطع تاریخی وطن، دست‌به‌کار شدند و با آوردن مضامین ملی در شعر، فصل جدیدی از ادبیات حماسی را در ادبیات ایران آفریدند و شاید همین مضامین، بعدها دست‌مایه شاعران دوره مشروطه گردید.

از جمله این مضامین می‌توان به: جدایی دردناک شهرهای قفقاز از وطن، تحریک و تهییج هویت ملی ایرانی، حسرت‌ها و دردهای تجاوز روس به ایران، دلاوری سربازان ایران خصوصاً عباس میرزای ولیعهد و فرمانده سپاهیان ایران در جنگ اشاره کرد.

باید سرآغاز و طلیعه تجدد در شعر فارسی را در بازتاب جنگ‌های ایران و روس در شعر عصر قاجار جستجو کرد؛ چنان‌که سرآغاز ورود ایران به اندیشه‌های نوین اجتماعی نیز همین رویداد مهم است. (طاهری خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۱۴۲)

از شاعرانی که در این دوره به سرودن اشعار حماسی و تحریک هویت ملی ایرانیان پرداختند، می‌توان به: ملک‌الشعرا صبای کاشانی، قائم‌مقام فراهانی، خاوری شیرازی، حکیم هیدجی اشاره کرد. گروه دیگری از شاعران حماسه‌های تاریخی سرودند که از جمله آن‌ها می‌توان حماسه‌های: شهنامه نادری، علیمردان‌نامه، شهنامه احمدی، فتح‌نامه شیخ حسام‌الله، قیصرنامه پیشاوری و سالارنامه را نام برد.

۱.۴.۲ وضعیت زبان فارسی در دوره سرایش شهنامه و نقش آن در فرهنگ زبانی دوره قاجار

در نیمه دوم قرن دوازدهم - اواخر دوره افشارها و کمی پیش از آنکه فتحعلی‌شاه گویندگان و سخنوران را در دربار خود گرد آورد - ذهن مردم از سبک تکلف دوره مغول و تیموریان و عبارت‌پردازی‌ها و نکته‌سنجی‌های سبک هندی آزرده و ملول گردید و نهضت نسبتاً مهمی در زبان و شعر فارسی آغاز شد. (آرین پور، ۱۳۷۹: ۱۳)

تجدد، مفهومی است که همواره آن را نتیجه انقلاب مشروطه می‌دانند اما باید گفت پیش‌گامی این نهضت از دوران قاجار آغاز گردیده و تحول زبان فارسی از این زمان کلید خورده است. می‌توان عصر فتحعلی‌شاه را با دوره رنسانس شعر و ادب ایران یعنی دوره غزنوی و زمان سرایش شاهنامه فردوسی هم‌قران دانست.

شکست‌های پیاپی ایران در جنگ با روس‌ها و احساس ناتوانی اولیای کشور در مقابل ممالک اروپایی - که به وسایل جدید در جنگ و صلح مجهز بودند، آسودگی خیال ایرانیان زیرک و دانا را بر هم زد. خطر را روبه‌رو دیدند و به چاره‌جویی برخاستند. ادبیات ایران از آن زمان تاکنون، جز آینه تجلی آرزوی پیشرفت و ترقی و رفع مفاسد و اصلاح معایب اجتماعی و سیاسی نیست. (خانلری، ۱۳۲۶: ۱۳)

۲.۴.۲ نوگرایی و بازآفرینی زبانی در شهنامه

مهمترین کارکرد و نقش زبان، از دیدگاه زبان‌شناسان، ارتباط میان انسانهاست. ارتباط است که در نهایت سبب تولید مفاهیم مشترک می‌شود و مفاهیم مشترک می‌توانند ایجادکننده هم‌بستگی ملی و وفاق اجتماعی شوند. (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۱۸)

صبا در سرودن *شهنشاه‌نامه*، ضمن اذعان به تقلید و بهره‌مندی از آثار گذشتگان، همواره آشنایی به زبان و روزگار آنان را افتخاری بزرگ برای خود می‌داند. وی در این زمینه اصل صداقت در تقلید را نیز رعایت می‌کند، لیکن همواره سعی دارد با طرز و بیانی نو و جدید، شعر حماسی را به آیین گوینده پهلوی اما با سبکی جدید ارائه نماید.

وی در آغاز *شهنشاه‌نامه*، کتاب خود را از راستی، بی‌کم‌وکاستی می‌گشاید و خود را زنده‌کننده آیین گذشتگان می‌داند (ص ۴) و در ادامه می‌گوید:

کز آیین دیرین جهان نو کنم	به شیرین سخن مدح خسرو کنم...
زمانه به کف بشکنند خامه‌ام	نورد و نورد فلک خامه‌ام
نمانم که مانم یکی یادگار	به گیتی به نام جهان شهریار
اگر شهریارم کند یاوری	نگارم یکی نامه زین داوری
قلم بشکنم در کف تیر او	به نیرو درم کرده از شیر او
به آیین گوینده پهلوی	کنم نامور نامه خسروی
یکی نامه زین گفته‌های دری	برآرا چو بتخانه آذری
چو باشد تو را گنج در آستین	برافشان ابر خسرو راستین

(ص ۴۱)

صبا در سنت‌شکنی و تجدد، خود را پیشاهنگ شاعران دیگر دانسته و خود را در این مسیر جاودانه می‌داند:

صبا گفتی آن گفته کش خواستی	دران جادویی‌ها برآراستی
بدین داستان تا میان بسته‌ای	سرایندگان را زبان بسته‌ای
به آیین گویندگان کهن	برآراستی نو عروس سخن
شکستی به گفتار بازارشان	زبان بستی از نغز گفتارشان
چنان سفتی این گوهر شاهوار	که پذیرفته از نیکویی شهریار
سخن راندی از گرز و تیغ و سنان	نماندی هنرهای گردان نهان
به جاویدشان زنده ماندی به دهر	که جاوید بادت روان شادبهر
چو باشد تو را گنج در آستین	برافشان ابر خسرو راستین

(ص ۱۱۸)

۳.۴.۲ آوردن کلمات جدید فرنگی و لغات تازه در شعر

هرچه زیبایی و لطف در شعر امروز ایران دیده می‌شود، حاصل پیوند درخت فرهنگ ایرانی و درخت فرهنگ اروپایی است. در تمام ذرات و مولکولهای معنی‌دار و متعالی این خلاقیت جای پای شعر و فضا و بلاغت و اسطوره و ادب اروپایی قابل تعقیب است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۳۹)

یکی از نخستین شاعرانی که اصطلاحات جدید سیاسی و فرنگی را وارد شعر فارسی نمود، فتحعلی‌خان صباست. وی از جمله شاعرانی است که با هنرمندی قابل توجه، اسامی فرنگی همچون ادوات جنگی و نام بیشتر سرداران روس را در شعر خود گنجانده است. وی در یکی از جنگ‌ها که به معرفی سپاه روس می‌پردازد این چنین می‌گوید:

ز کالسکه آهنین تن روان	چو گردان گردان و رعد نوان...
کپتان شیر اوژن و شیر زن	دگر بوالقدر گرد لشکرشکن
تمانوی و آندرلی سرو و گرد	چو تنین جهانسوز در دار و برد
دگر بت برد چنگ گرد دلیر	دم آهنج و دژخیم چون شرز شیر
بسانو سر شیرمردان گو	بهر جنگ جنگاور پیشرو
ایسر چو عفریت قاروره باز	به چستی چو گرگ و به رفتی گراز
پرملای پرویچ ایسر ز روس	چو قنطال و ترطوس با نای و کوس
سبطن ترویچ مابور رفت	بخ از کین چو آذرگشسبش بتفت
گرازه بسان گرازان مست	گرازان یکی پیلبانی به دست
دگر مدری آویچ دریا خروش	الانسی و ترطوس پولادپوش
چو پیلی تناور کورنات بوس	چو شیری دلاور الکسندروس
بسان پلنگان و گرگان به چنگ	هم این تیز دندان هم آن به چنگ

(ص ۷۲)

می‌توان گفت نخستین کسی که بنای تجدد را در شعر فارسی پایه‌گذاری کرد، صبای کاشانی بود.

۴.۴.۲ مقایسه مختصات زبانی صبا با سایر شعرای حماسه‌سرا

صبا در ضمن بر شمردن خصیصه‌های پسندیده شعری دو شاعر مطرح دارای منظومه‌های حماسی - یعنی فردوسی و نظامی - از این‌که ممدوحین آنان از نظر مذهبی در مرتبه پایینی قرار دارند، هم شعر خود را در برابر آنان ارزشمند می‌داند و هم ممدوح خود را.

سزد گر روانشان بود در فسوس	چه استاد گنجه چه دانای طوس
اگرچه ز هر در بسی برده رنج	ز پرمایه گوهر پراکنده گنج
ولی سر به سر بیهده رنجشان	نه جز بهره ازدها گنجشان
یکی نام پرویز را بر کشید	که او نامه مصطفی را درید
یکی زنده کرد آیت زند را	ستایشگر آمد مغی چند را
نظامی که در گفته پهلوی	سزد گر کند دعوی خسروی
به دوران بهرام سر برده گنج	به نامش بر آراسته پنج گنج
نه کس داند آغاز و انجام او	نه در نامه خسروان نام او
دگر راد فردوسی پاکزاد	که بند از در گنج دانش گشاد
به شهنامه محمود را یاد کرد	روان جهانی ازو شاد کرد
بد اندیش خود نه بد اندیش او	به زشتی سخن راند از کیش او
چو گفتار بدخواه بر وی شنید	از آتش سزای ستایش ندید
سرانجام کرد آن جهان سخن	جهان بر جهان مویه بر خویشان
به یزدان ز محمود نالش گرفت	به او بر به نفرین سگالش گرفت

(ص ۸۱)

صبا در آوردن سخن، که از نیروی خدادای بهره می‌گیرد، همواره بر اقران خود برتری می‌جوید و آنان را ریزه‌خوار سفره ذوق و قلم خود می‌داند و می‌گوید:

به نیروی دارای آموزگار	سرایندگان اندرین روزگار
همه ریزه خواران خوان منند	پری وار پر استخوان منند
به نیک و به بدشان قلم در کشم	ز نام بد و نیک دم در کشم
به گفتن توانا چو من نیستند	توانا چو من در سخن نیستند

چو این نامه بگذارم و بگذرم روان بر به شاه جهان بسپرم

(ص ۸۲)

۵.۴.۲ اهمیت زبان فارسی و پاسداشت افتخارآمیز آن به عنوان عنصر بنیادین هویت در

شهنامه

زبان، علاوه بر اینکه خود عنصر بنیادین هویت است، از طریق آفرینش و انتقال نظام معنایی فهم‌پذیر برای دیگران نیز به مثابه ظرف ارتباطی و ساز و کار انتقالی با دیگر عناصر هویتی ایفای نقش می‌کند؛ از طریق زبان است که ما از هویت تاریخی و تلاش نیاکانمان برای حفظ و حراست از هویت ملی و میهنی و دیگر ارزش‌ها، اسطوره‌ها و آداب فرهنگی و اجتماعی که به ما رسیده است آگاهی پیدا می‌کنیم. بدین سان، رابطه‌ای دوسویه میان زبان و هویت وجود دارد.

از میان همه شکل‌های تعامل اجتماعی، زبانی که مردم به آن سخن می‌گویند مؤثرترین و جاودانه‌ترین منبع هویت است. شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی از طریق عامل زبان هویدا می‌شوند. زبان با آفرینش نظام معنایی فهمیدنی در تعامل اجتماعی، مهم‌ترین ابزار ارتباطی و از عناصر مشترک هویتی به‌شمار می‌آید. این ابزار می‌تواند تا حد زیادی انتقال دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و در توالی نسل‌ها برعهده بگیرد. زبان و گویش هر جامعه، معرف بخشی از هویت آن است و به‌طور مشخص، زبان واحدی که برای همگان فهمیدنی باشد، از لوازم اولیه و گریزناپذیر تکوین ملت و کشور و از لوازم اولیه همبستگی آن به حساب می‌آید. (میرزایی، ۱۳۹۳: ۱۰۹)

زبان یکی از هویت‌های اکتسابی انسان می‌باشد که بواسطه زبان مادری بنیان‌گذاری گردیده است. بقای هویت ملی به زبان ملی بستگی دارد و ملتی که زبان اصیل خود را از دست دهد، در واقع هویت خود را از دست داده است. تمام مردمی که در یک سرزمین مشترک زندگی می‌کنند، برای حفظ اتحاد و پیوستگی میان خود از یک زبان استفاده می‌کنند تا به واسطه آن تفاهم و همدلی با یکدیگر را افزایش داده و تحکیم بخشند.

صبا در همین راستا کوشیده است با ارائه دلایلی بر حفظ ارزش سخن و سخنوری، آن را هم‌چون میراثی گرانبها دانسته و بر نشر حقیقت‌وار تاریخ تاکید می‌کند.

سراینده دهقان گوهر فروش ز گوهر جهان را برآمود گوش

سرخن سربه‌سر راند از راستی	نه مویی در آن کژی و کاستی
همه راست آراست این داستان	که کژی نزیید بر راستان
هرآن مهر و کین کز جهان خواسته	چنین مرد گوینده آراسته

(ص ۱۵)

در این دوره، سخن گفتن دری در زبان اکثریت گویش‌وران جامعه پرننگ بوده و اسناد مکتوب، زبان آموزشی، شعر و ... نیز حاکی از همین مطلب است. صبا سخن گفتن دری، که اساس هویت زبانی ایرانیان است را مایه افتخار خود می‌داند:

خوش آهنگ خامه شباهنگ من	شباهنگ در شرم از آهنگ من
عروسان به خون جگر پرورم	گرک از لب لعل گونشان خورم...
من از رزم مردان به گفت دری	کنم نامه بر لعبت خاورری
ز تیغ و ز کویال رانم سخن	که بیند نیوشنده بر گفت من
وگرنه توانا به هر گفته‌ام	ز هر گونه درّ دری سفته‌ام

(ص ۷۹-۸۰)

صبا سخن را همانند گنج می‌داند و البته گنجی از الماس. شاعر نیز آن افسون‌گریست که دانه‌های الماس را آرایش داده و در سلک نظم در می‌آورد (ص ۸۱) و سر انجام در چندین قسمت از کتاب، خود را جادوگر سخن دانسته و جاودانگی خود را مرهون همین سخنان ارزشمند می‌داند. (ص ۱۱۲) وی قلم خود را احیا کننده زبان کهن فارسی می‌داند و با وی این چنین می‌گوید...

شب تیره با کلک زرین به راز	ازین گونه آراستم بس نیاز
که ای خامه هنگامه آرا تویی	نگارنده راز دارا تویی
تو بر باریم آشکارا شدی	سراینده مدح دارا شدی
صریر تو چون صور دویم ازان	تم را دگر باره بخشید جان
تو ای درفشان کلک زیبانگار	به فر سپاس جهان شهریار
شدی چیره بر گردش آسمان	رهاندی تن و جانم از بند آن...
نگارنده کلک گهربار باز	به گوهر بر آراست بازار راز

۶.۴.۲ به کارگیری هویت فرهنگی در خدمت زبان و هویت زبانی

بازتاب مؤلفه‌های هویت فرهنگی در شهنامه صبا را می‌توان در تکمیل هویت زبانی مشاهده کرد. این اثر در نوع خود گویای برخی از هویت‌های فرهنگی ایرانیان زمانه خود بوده که از آن جمله می‌توان به: برگزاری جشن‌ها و اعیاد و عزاداری، اهمیت عدل و داد و لزوم دادگری، بخشش و داد و دهش، تاکید بر خرد و خردورزی، نامداری و نام‌جویی، نصیحت‌گری و نصیحت‌پذیری، انگیزه دفاع از سرزمین، دانایی و دانشوری، تقدیرگرایی، دل‌نستن به دنیا، سخنوری، صلح‌طلبی و... اشاره کرد. آوردن این اصطلاحات فرهنگی، خصوصا در زمانی که به مناسبت‌های ملی و مذهبی اشاره می‌گردد، بیش از پیش زبان ملی و هویت زبانی را تقویت نموده و به آن تشخیص سبکی بالاتری در این حوزه می‌دهد.

۳. نتیجه‌گیری

مجموعه یافته‌های نظری پژوهش در این بعد نشان می‌دهد، زبان فارسی مهم‌ترین عامل حفظ و بقای هویت ایرانی در طول تاریخ بوده است. این زبان همواره عاملی وحدت‌بخش و به عنوان محور اصلی فرهنگ و تمدن ایرانی مطرح بوده است که حتی اقوام غیر فارسی زبان ایرانی نیز با استفاده از این زبان، پیوندهای عمیقی بین خود و سرزمین ایران و سایر اقوام ایجاد کرده‌اند. زبان یکی از عناصر مشترک فراگیر هویتی است که می‌تواند فارغ از بعد جغرافیا و همجواری سرزمینی، تا حد زیادی به وجه نظرها، ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و انتقال این مجموعه در توالی نسل‌ها به عهده بگیرد. در واقع زبان و گویش هر شخص، معرف بخشی از هویت اوست و به همین دلیل است که زبان از شاخص‌های اولیه هویت اجتماعی قلمداد می‌شود.

در این میان نقش حکومت‌های ایرانی به ویژه دودمان سامانیان و وزرا و دیوان‌سالاران ایرانی حکام غزنوی و سلجوقی، زبان متصوفه، مغولان و دیگر حکومت‌ها و تشویق و ترغیب شاعران و حکیمان و عالمان به حفظ و پویایی زبان فارسی حائز اهمیت است. زبان فارسی زاده نشد مگر به معجزه شعر فارسی و از عواملی که اثر ویژه در اولویت یافتن

و استاندارد شدن زبان فارسی داشت، ادبیات تاریخی، به ویژه اشعار حماسی بوده است. بنابراین توجه به این عنصر و نقش آن در پاسداری هویت ملی مهم به نظر می‌رسد. تجدد، مفهومی است که همواره آن را نتیجه انقلاب مشروطه می‌دانند اما باید گفت پیش‌گامی این نهضت از دوران قاجار آغاز گردیده و تحول زبان فارسی از این زمان کلید خورده است. دوره فتحعلی‌شاه را با دوره رنسانس شعر و ادب ایران یعنی دوره غزنوی و زمان سرایش شاهنامه فردوسی هم‌قران می‌دانند. در این میان ملک‌الشعرا صبای کاشانی، همواره در اشعار خود در *شهنشاه‌نامه* به تأثیرپذیری از شعر گذشتگان اعتراف کرده و آشنایی به زبان و روزگار تاریخی آنان افتخار می‌کند. این باستان‌گرایی به معنای ادامه حیات گذشته در خلال زبان اکنون و یکی از راههای پرتأثیر تشخیص بخشیدن به زبان است. آثار ادبی گذشته به منزله شناسنامه هویتی و ملی ماست. وی به دگرگونی زبان و سنت‌شکنی، توأم با پاسداشت آن، خود را پیشاهنگ شاعران معرفی می‌کند. در این راه، صبا جزو اولین کسانی است که کلمات جدیدی مانند کالسکه، کاپیتان، افسر و اسامی مانند پروویچ، الکساندر، آندرلی و ... را وارد شعر فارسی می‌کند. صبا شعر شاعران بزرگ ایران زمین را می‌ستاید و بعد حماسی زبان را پس از سال‌ها کمرنگ شدن آثار حماسی، زنده می‌کند و حتی در برخی ابیات، ممدوحین فردوسی و نظامی را به مانند فتحعلی‌شاه، دارای خصیصه‌های پسندیده دینی و فرهنگی نمی‌داند. وی با مطرح کردن موضوع جنگ تحمیلی و دفاع از کیان این سرزمین در *شهنشاه‌نامه*، زبان فارسی و شعر حماسی را عامل هم‌بستگی، انسجام، وحدت ملی ایرانیان و تحریک آنان برای دفاع، معرفی می‌کند و از طرف دیگر سخن گفتن دری، که اساس هویت زبانی ایرانیان است را مایه افتخار خود دانسته و قلم خود را احیا کننده و ادامه دهنده این زبان کهن می‌خواند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مجموعه فتوهای علما برای اعلام جهاد با قوای روس را میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی در قالب کتابی با عنوان «احکام‌الجهاد و اسباب‌الرشاد» گردآوری کرد. دکتر غلامحسین زرگری نژاد مقدمه مفصلی در باره این رساله‌ها بر آن نگاشته است. رک: میرزا عیسی قائم‌مقام فراهانی، احکام‌الجهاد و اسباب‌الرشاد، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد.

۲. دکتا شیمسا سه عامل مهم را در پیدایش نهضت بازگشت ادبی، موثر می‌داند: ۱- تاراچ کتاب‌خانه اصفهان که باعث شد تعدادی از آثار کهن در جامعه، به دست مردم بیفتد. ۲- دربار قاجاریه که تثبیت حکومت مرکزی آن بهانه‌ای برای جمع شدن شعرا بود. ۳- تضعیف جامعه و به دنبال آن تغییر نکردن اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و شکست‌های مکرر از روسیه تزاری. (ن.ک: شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۰۶-۳۰۷)

کتاب‌نامه

کتاب‌ها:

- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۷۸). تاریخ مختصر زبان فارسی، تهران: طهوری.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۳). ایران: هویت، ملیت، قومیت. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- احمدی، حمید. (۱۳۹۰). بنیادهای هویت ملی ایرانی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اشرف، احمد. (۱۳۹۵). هویت ایرانی از دوران باستان تا پهلوی. چاپ چهارم. تهران: نشر نی.
- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۹). از صبا تا نیما. تهران: انتشارات زوار.
- بهبودی، هدایت‌اله. (۱۳۷۱). ادبیات در جنگ‌های ایران و روس. تهران: انتشارات حوزه هنری.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). هویت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها. در مجموعه هویت ملی در ایران به کوشش داود میر محمدی. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- توکلی طرقي، محمد. (۱۳۸۲). تجدد بومی و باز اندیشی تاریخ. تهران: نشر تاریخ ایران.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۳). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یار احمدی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- حمیدی شیرازی، مهدی. (۱۳۶۴). شعر در عصر قاجار. تهران: گنج کتاب.
- ربانی، جعفر. (۱۳۸۱). هویت ملی. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- رستگارفسائی، منصور. (۱۳۸۱). فردوسی و هویت‌شناسی ایران (مجموعه مقالات) تهران: نشر طرح نو.
- روح‌الامینی، محمود. (۱۳۸۳). مفهوم‌شناسی هویت ملی، هویت ملی در ایران به اهتمام داوود میر محمدی. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۰). ادبیات فارسی از جامی تا روزگار ما. ترجمه حجت الله اصیل. تهران: نشر نی.

- صبای کاشانی، فتحعلی‌خان. (۱۸۶۷). شهنشاہ‌نامہ. انتشارات: بمبئی.
- طاهری خسروشاهی، محمد. (۱۳۸۸). فصل‌های تاریکی جنگ‌های روس با ایران در شعر فارسی. تهران: تمدن ایرانی.
- قائم‌مقام فراهانی، میرزاعیسی. (۱۳۸۰). احکام‌الجهاد و اسباب‌الرشاد، به تصحیح و مقدمه تاریخی غلامحسین زرگری نژاد. تهران: بقعه.
- لنگرودی، شمس. (۱۳۷۵). مکتب بازگشت (بررسی دوره‌های افشاریه زندیه و قاجاریه). تهران: مرکز.
- مسکوب، شاهرخ. (۱۳۷۹). هویت ایرانی و زبان فارسی. تهران: فرزانه.
- مؤمن، زین‌العابدین. (۱۳۷۱). تحول شعر فارسی. تهران: طهوری.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۲۶)؛ نثر فارسی در دوره اخیر در کنگره نویسندگان ایران. تهران: نگین.
- نجفی، موسی. (۱۳۸۶)؛ ساحت معنوی هویت ملی ایرانیان (خودآگاهی تاریخی، جهانی شدن و انقلاب اسلامی). تهران: دفتر نشر معارف.
- مقالات:
- ابوالحسنی، سید رحیم. (۱۳۸۹). مؤلفه‌های سنجش تجربی هویت ملی. کنکاشی در هویت ایرانی (مجموعه مقالات) به کوشش ابراهیم حاجیانی تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۶). «اتحاد ملی، هویت ملی و ضرورت بازسازی آن در ایران» (نگرش معرفت‌شناسی) مجموعه مقالات همایش ملی اتحاد ملی. راهبردها و سیاست‌ها، با مقدمه دکتر حسن روحانی. تهران: گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- اشرف، احمد. (۱۳۷۳). «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، مجله ایران نامگ. س دوازدهم. ش ۴۷. صص ۵۲۱ تا ۵۵۰.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹)؛ «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، صص ۷۲ تا ۵۵.
- آبادیان، حسین. (۱۳۸۸). «مؤلفه‌های هویت ملی در برخی آثار مکتوب نیمه نخست دوره قاجار». فصلنامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا (س). س نوزدهم. ش ۳ پیاپی. صص ۵۸-۷۷.
- طاهری خسروشاهی، محمد. (۱۳۹۰). «ادبیات پایداری در شعر دوره قاجار»، فصلنامه مطالعات ملی. س دوازدهم. ش ۴۶. صص ۱۳۲ تا ۱۵۶.

هویت زبانی در شهنامه صبا ... (مسلم احمدی و یحیی حسینی) ۴۷

فلاح، مرتضی. (۱۳۸۶). «نقش زبان فارسی در یکپارچگی و وحدت ملی ایران». مجله گوهر گویا، س یکم. ش چهارم. صص ۹۸-۱۱۵.
گودرزی، حسین (۱۳۸۴)؛ «موقعیت زبان و ادبیات فارسی در ایران عصر صفویه و رابطه آن با زبان رسمی و ملی». فصلنامه مطالعات ملی. س دوازدهم. ش ۳. صص ۱۱۵-۱۳۵

